



"مقاله پژوهشی"

تمایل به راهاندازی کسب‌وکار در بین دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز: کاربرد رهیافت قابلیت اشتغال

مرضیه غلامی‌گندمانی^۱ و مهسا فاطمی^۲

۱- دانش‌آموخته‌ی کارشناسی‌ارشد، بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۲- عضو هیئت‌علمی بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسوول: mahsafatemi@shirazu.ac.ir)
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱

صفحه: ۱۱۱ تا ۱۲۵

چکیده

هدف کلی پژوهش حاضر، واکاوی قابلیت اشتغال دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز در تمایل به راهاندازی کسب‌وکارهای فردی پس از دانش‌آموختگی است. این پژوهش در سال ۱۳۹۹ انجام شده و در قالب یک تحلیل آمیخته، ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی مورد استفاده قرار گرفت. جامعه مورد مطالعه در بخش کمی مطالعه، تمامی دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز (۱۸۷۴ نفر) بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده، یک نمونه‌ی تصادفی ۳۶۵ نفره انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بود که روایی صوری و پایایی آن به ترتیب توسط اساتید بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز و با یک مطالعه‌ی راهنما در نمونه‌ای ۳۰ نفره از کل دانشجویان خارج از نمونه اصلی، تأیید شد. در بخش کیفی پژوهش نیز با استفاده از روش مطالعه موردی و تکنیک نمونه‌گیری هدفمند، مصاحبه‌های عمیق با اعضای شورای بهبود مهارت‌آموزی و ارتقای توان اشتغال‌پذیری دانشجویان دانشگاه شیراز (۱۲ نفر) انجام شد. طبق یافته‌های بخش کمی، نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که متغیرهای معدل کل، شرکت در کارگاه‌های مهارتی، تجربه دروس کارآفرینی، تجربه‌ی شرکت در استارت‌آپ‌ها، نگرش به کارآموزی مطلوب، مهارت‌های توسعه‌ی فردی و کسب‌وکار و گرایش کارآفرینانه از عوامل تأثیرگذار بر تمایل دانشجویان نسبت به راهاندازی کسب‌وکار بودند. در نهایت، بر اساس یافته‌های بخش کیفی، راهکارهای ارتقای قابلیت اشتغال دانشجویان در دانشگاه در قالب چهار مجموعه استراتژی‌های آموزشی، اجرایی، حمایتی و انگیزشی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: استارت‌آپ، دانشکده کشاورزی، راهاندازی کسب‌وکار، قابلیت اشتغال، کارآموزی، گرایش کارآفرینانه

مقدمه

اشتغال‌زایی در دهه‌ی گذشته به یکی از مهم‌ترین مفاهیم سیاست‌های بازار کار کشورها تبدیل شده است؛ به‌طوری‌که ایده اشتغال‌زایی یکی از چهار ستون استراتژی اشتغال اروپا را تشکیل داده است (۳۲). اشتغال‌زایی مجموعه‌ای از دستاوردهایی است که باعث افزایش تعداد دانش‌آموختگان هدفمند می‌شود و احتمال پیدا کردن فرصت‌های شغلی و موفقیت آن‌ها در مشاغل منتخب خود را تضمین می‌کند که در نهایت به نفع نیروی کار، جامعه، اقتصاد و خود دانش‌آموختگان و خانواده‌ها خواهد بود (۴۳). اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان به‌عنوان شاخص کلیدی عملکرد دانشگاه یا برنامه‌های اجرایی آن‌ها به حساب می‌آید. افزایش تعداد دانشجویان و همچنین افزایش رشد دانشگاه‌های جدید و گسترش مدارک تحصیلی، شرایط را برای تغییر بازار و اشتغال‌پذیری ایجاد کرده و باعث شده که مسئله اشتغال‌پذیری برای دانشگاه‌ها، دانشجویان و نیاز والدین آن‌ها و کارفرمایان موضوعی مهم تلقی می‌شود (۱۴).

بحران بیکاری در کشور ما با شرایط حادی مواجه است؛ به‌طوری‌که طبق پیش‌بینی‌ها، یکی از چالش‌های اصلی توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی کشور ما در برنامه چهارم و برنامه‌های بعدی تا افق ۱۴۰۰ وجود ۱۰ میلیون نفر بیکار در جامعه خواهد بود (۳۸). طبق آمار مرکزی ایران نرخ بیکاری کشور در سال ۱۳۸۵، برابر با ۱۱/۲ درصد بوده و در حال

حاضر طبق آخرین آمار نرخ بیکاری به ۱۲/۲ درصد رسیده و به میزان یک درصد افزایش یافته است که حاکی از میزان بالای بیکاری در کشور است (۳۹). همچنین طبق آمار ارائه‌شده اخیر، ۱۴۷ هزار دانش‌آموخته‌ی کشاورزی وجود داشته که به ترتیب ۲۳، ۱۰ و ۴۰ درصد از آن‌ها در پست‌های مربوط به بخش دولتی، شرکت‌های خصوصی و حرفه‌های غیرمرتبط، مشغول به کار هستند. درحالی که ۲۷ درصد در زمان بررسی هنوز به‌دنبال شغل بوده‌اند (۲۷). بر طبق مطالعات سازمان همیاری اشتغال دانش‌آموختگان جهاددانشگاهی، نرخ بیکاری در بین دانش‌آموختگان دانشگاهی ۱۵/۶ درصد و در کل جامعه ۱۰/۷ درصد است؛ لذا مهم‌ترین سؤالی که وجود دارد، این است که چرا دانش‌آموختگان دانشگاهی متناسب با نیازهای بازار کار آموزش داده نمی‌شوند و برای اینکه دانش‌آموختگان قادر باشند وارد بازار کار شوند، چه قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی برای اشتغال نیاز دارند؟

واکاوی کسب‌وکارها و اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان برخی رشته‌ها شکاف بین دانش کسب‌شده و ظرفیت‌های موردنیاز بازارکار را نشان می‌دهد. در واقع بین برنامه‌ی درسی دانشگاهی و نیازهای بازارکار تفاوت‌هایی وجود دارد، بنابراین دانش‌آموختگان برای مشاغل آینده به‌طور مناسبی تربیت نمی‌شوند و در پیدا کردن شغل با مشکل مواجه می‌شوند (۱۹). مطالعات مختلف نشان داده است که بین بخش صنعت

و آموزش دانشگاهی و انطباق این آموزش‌ها با نیازهای جامعه و تقاضای اجتماعی در کشور فاصله وجود دارد. مهم‌ترین مسائلی که مشاغل با آن درگیر بوده‌اند، هزینه بسیار بالای آموزشی دانش‌آموختگان جدید (حدود ۱۶ ماه)، صرف زمان بالا برای آموزش، طولانی شدن انجام پروژه‌ها به دلیل عدم توان تخصصی و مهارتی کارکنان، افزایش ضایعات، وارد شدن صدمه به دستگاه‌ها به دلیل عدم آموزش و مهارت در کار با دستگاه‌ها است. در واقع به علت غیرکاربرد بودن آموزش‌های دانشگاهی، خیلی از دانش‌آموختگان از عهده تخصص‌های آموخته‌ی خود بر نمی‌آیند و ارگان‌ها، شرکت‌های صنعتی و ... مجبورند هزینه زیادی را صرف آموزش دوباره کنند (۶). افزایش شمار دانش‌آموختگان، کاهش سریع ظرفیت بازار کار برای استخدام دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی و به تبع آن کاهش فرصت‌های استخدامی و همچنین افزایش ضرورت پاسخگویی نظام آموزش عالی در محیط رقابتی، سه دلیل عمده‌ی ضرورت ایجاد دگرگونی در محتوای آموزش‌های دانشگاهی و مطرح شدن آموزش‌های کارآفرینی است (۲۱).

جذب دانش‌آموختگان در مراکز عالی بستگی به توانایی‌ها و ویژگی‌هایی دارد که در طول تحصیل باید آن را بدست آورند (۳۰). یکی از رهیافت‌های نظام‌های کیفیت را می‌توان رهیافت قابلیت اشتغال دانست. هدف اساسی در رهیافت قابلیت اشتغال، تربیت دانشجویانی است که جدای از فشارهای بازار کار و سازمان‌ها، افرادی توانمند باشند، به نحوی که در زمان دانش‌آموختگی سرشار از این احساس و باور باشند که توانایی کار در بازار را داشته و می‌توانند در هر سازمان یا مکانی از تخصص و رشته خود به بهترین صورت بهره ببرند (۲۹). دستیابی دانش‌آموختگان برای مشاغل خاص نیازمند مهارت‌های دانشگاهی است (۳۶). به اعتقاد هاروی (۱۸)، اشتغال افراد نباید به عنوان میزان قابلیت اشتغال آن‌ها در نظر گرفته شود. در واقع، بحث اصلی این است که کیفیت قابلیت اشتغال در یک مؤسسه باید به واسطه کمیت و کیفیت فرصت‌هایی محاسبه شود که به منظور توسعه‌ی توان اشتغال‌پذیری و مهارت‌آموزی و نهایتاً گرایش کارآفرینانه دانشجویان از طرف مؤسسات آموزش عالی به آن‌ها ارائه می‌شود. بدین ترتیب، نظام آموزش عالی با درگیر کردن دانشجویان خود در محیط‌های کار واقعی و بهبود گرایش کارآفرینانه آن‌ها می‌تواند به شکل مؤثری قابلیت اشتغال را در دانشجویان ایجاد و میزان آن را اندازه‌گیری نماید (۱۲).

اشتغال‌پذیری^۱ یا قابلیت اشتغال، مجموعه‌ای از دستاوردهایی است که احتمال یافتن فرصت‌های شغلی و موفقیت در مشاغل منتخب را افزایش می‌دهد و این در نهایت به نفع نیروی کار، جامعه، اقتصاد و دانش‌آموختگان خواهد بود (۴۳). افراد شاغل دارای مهارت‌ها و شایستگی‌هایی هستند که منجر به رقابت و امنیت شغلی در استخدام برای هر شغلی می‌شود (۱۸). علاوه بر مهارت‌ها، قابلیت اشتغال شامل ویژگی‌ها و تجربه‌های مختلفی است که از طریق یادگیری به دست می‌آید (۱۷). به طور کلی دانشگاه‌ها به دنبال مهارت‌ها و

ویژگی‌هایی هستند که دانش‌آموختگان به آن نیاز دارند تا بتوانند علاوه بر استخدام، توانایی مقابله با تغییرات را داشته باشند (۹). در تعریفی دیگر، اشتغال‌پذیری عبارتست از توانایی دانش‌آموختگان برای بدست آوردن شغلی رضایت‌بخش در حوزه تخصصی که در آن به تحصیل پرداخته‌اند (۱۸). اشتغال‌پذیری در تعبیر پول و سول (۳۶)، به معنای داشتن مجموعه‌ای از مهارت‌ها، دانش، درک و ویژگی‌های فردی است که احتمال انتخاب و کسب مشاغلی که فرد در آن‌ها می‌تواند راضی و موفق باشد را افزایش می‌دهد. بر اساس اینکه کدام یک از تعاریف ارائه شده از اشتغال‌پذیری، مدنظر قرار گیرد، شاخص‌ها، معیارها و نحوه‌ی سنجش آن متفاوت خواهد بود. در این راستا مدل‌هایی برای تبیین اشتغال‌پذیری و ابعاد آن ارائه شده است. در مدل پیشنهادی نایت و یورک (۲۹)، قابلیت اشتغال دارای چهار مؤلفه شامل «درک»، «مهارت»، «باورهای کارآمدی» و «فراشناخت» است؛ همچنین الگوی دیگر در قالب مدل آموزش شغلی شامل «مهارت‌های تصمیم‌گیری»، «آگاهی از فرصت‌های کاری»، «یادگیری انتقالی» (جستجوی شغل و مهارت‌های معرفی خود) و «خودآگاهی» است (۴۲). الگوی ارائه شده توسط پول و سول (۳۶)، در زمینه اشتغال‌پذیری، با توجه به سادگی و تطابق آن برای محیط‌های آموزش دانشگاهی، مبنای بسیاری از پژوهش‌ها در اندازه‌گیری اشتغال‌پذیری قرار گرفته است. این مدل دارای پنج بعد، شامل «دانش و مهارت و درک مربوط به رشته تحصیلی»، «مهارت‌های عمومی»، «تجربه‌ی کار»، «هوش هیجانی»، «زندگی» و «یادگیری توسعه‌ی شغلی» است. هیلپج و پولارد (۲۰)، معتقدند که اشتغال‌پذیری در برگیرنده چهار مؤلفه اصلی است که عبارتند از ۱- دارایی‌های اشتغال‌پذیری فرد که شامل دانش، مهارت‌ها و نگرش‌هاست، ۲- مهارت‌های مدیریت حرفه، شامل مهارت‌های جستجوی شغل، ۳- ارائه خود و توانایی ابراز وجود؛ برای مثال نوشتن رزومه، تجارب کاری و تکنیک‌های مصاحبه و ۴- شرایط فردی برای مثال مسئولیت‌های خانوادگی و فاکتورهای بیرونی از قبیل سطح کنونی فرصت‌های شغلی در بازار کار. از نظر جکسون (۲۶) نیز مهارت‌های مهم اشتغال‌پذیری عبارتند از: کارکردن به طور مؤثر و کارآمد، برقراری ارتباطات مؤثر، خودآگاهی، تفکر انتقادی، تجزیه و تحلیل داده‌ها و استفاده از تکنولوژی، حل مسئله، توسعه و ابتکار عمل، خودمدیریتی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پاسخ‌گویی، توسعه‌ی حرفه‌گرایی.

انجمن سرمایه‌گذاری در آموزش عالی اسکاتلند در پژوهش‌های وسیعی که در مقوله‌ی قابلیت اشتغال و جنبه‌های آن انجام داده است، مجموعه اجزای تشکیل‌دهنده قابلیت اشتغال را در قالب سه دسته مهارت‌های آکادمیک، مهارت‌های توسعه فردی و مهارت‌های کسب و کار معرفی نموده است؛ هر یک از مهارت‌ها شامل مجموعه‌ای از توانایی‌هاست (۲): مهارت‌های آکادمیک شامل دانش تخصصی در یک حوزه مشخص، توانایی بکارگیری دانش، تفکر منطقی، تجزیه و تحلیل نقادانه، حل مسئله، ارتباطات نوشتاری و گفتاری، توانایی استفاده از

ریسک‌پذیری بر عملکرد تأثیرگذار می‌باشند و استقلال‌طلبی تأثیری بر عملکرد ندارد. از طرفی، نوآوری و قابلیت‌های بازاریابی نیز بر عملکرد مؤثرند. ژای و همکاران (۴۵)، در پژوهشی در مورد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در چین، دریافتند که گرایش کارآفرینانه تأثیر مستقیم، مثبت و معنی‌داری بر عملکرد نوآوری کسب‌وکارهای مذکور دارد.

در جمع‌بندی مرور پیشینه نگاشته‌های مرتبط با موضوع، باید بیان‌نمود که در راستای کمک به ایجاد تمایل و عزم دانشجویان و دانش‌آموختگان در راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای فردی پس از تحصیل، مجموعه‌ای از عوامل حائز اهمیت و توجه هستند. یکی از فاکتورهای مهم، قابلیت‌اشتغال است که دانشجویان را به ترکیبی از مهارت‌های متنوع مجهز می‌نماید. از سوی دیگر، این مهارت‌ها باید چنان هدفمند، باکیفیت و کاربردی باشند که گرایش کارآفرینانه در مخاطبین راه، ایجاد و تقویت نمایند. به عبارت دیگر، مهارت‌های مذکور برای افزایش قابلیت‌اشتغال در صورتی سودمند خواهند بود که جرأت ریسک‌کردن، تمایل به نوآوری‌های خلاقانه، پیشگامی در عرصه کسب‌وکار و رقابت تهاجمی همراه با استقلال و خوداتکایی را در دانشجو ایجاد نماید. علاوه بر سازه‌های قابلیت‌اشتغال و گرایش کارآفرینانه، برخی عوامل دیگر مانند معدل، تجربه‌ی گذراندن دروس کارآفرینی و دوره‌ی کارآموزی، شرکت در انواع کارگاه‌های مهارتی و استارت‌آپ‌های کارآفرینی نیز می‌توانند بر تمایل دانشجویان در برانگیخته شدن برای راه‌اندازی کسب‌وکار فردی خود پس از اتمام تحصیل مؤثر باشند. بر این اساس چارچوب نظری پژوهش (نگاره ۱) شکل گرفت.

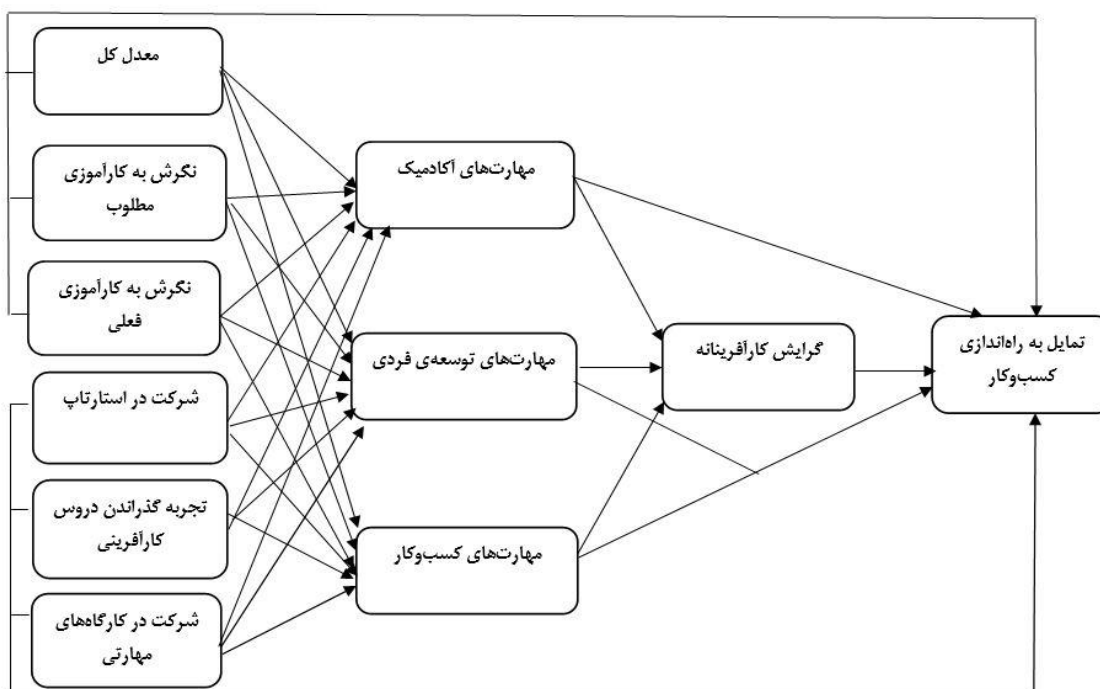
ایجاد کسب‌وکار و اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان، به‌عنوان شاخص کلیدی عملکرد دانشگاه یا برنامه‌های اجرایی آن محسوب می‌شود. افزایش تعداد دانشجویان و همین‌طور رشد دانشگاه‌های جدید و متنوع با انواع مدرک تحصیلی، شرایط را برای تغییر بازار اشتغال‌پذیری ایجاد کرده و باعث شده که موضوع قابلیت‌اشتغال برای افراد موضوعی مهم تلقی شود (۸). بنابراین، هدف کلی پژوهش حاضر، واکاوی قابلیت‌اشتغال دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز در ایجاد تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکارهای فردی پس از دانش‌آموختگی است. هدف‌های اختصاصی پژوهش عبارتند از:

- شناخت سازه‌های مؤثر بر تمایل دانشجویان کشاورزی نسبت به راه‌اندازی کسب‌وکار پس از دانش‌آموختگی
- ارائه راهکارهای کاربردی برای بهبود گرایش کارآفرینانه و قابلیت‌اشتغال دانشجویان کشاورزی در راستای توسعه کسب‌وکارهای فردی

داده‌های عددی، سواد رایانه و مهارت‌های پژوهشی است؛ مهارت‌های توسعه فردی شامل داشتن اعتمادبه‌نفس، توانایی انجام دادن تمام و کمال یک وظیفه، توانایی استقلال عمل یا خوداتکایی، توانایی شناخت قوت‌ها و ضعف‌های خود، داشتن خلاقیت، داشتن استقلال، آشنایی با دانش موضوعات روز دنیا، اشتیاق به یادگیری پیوسته، توانایی واکنش به محیط، اعتمادپذیری و داشتن صداقت و امین‌بودن درباره خود و دیگران است؛ و مهارت‌های کسب‌وکار نیز شامل مهارت‌های کارآفرینی، توانایی اولویت‌بندی وظایف، مدیریت زمان، مهارت‌های میان‌فردی، مهارت‌های ارائه، مهارت‌های کار تیمی، مهارت‌های رهبری، انعطاف‌پذیری، نوآوری، استقلال و پذیرش خطر است.

مفهوم دیگری که به‌دنبال قابلیت‌اشتغال و به موازات آن باید در دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد، گرایش کارآفرینانه است. بدین منظور که دانش، درک، توانایی‌ها، شایستگی‌ها و مهارت‌های اکتسابی در دوران تحصیل باید به‌گونه‌ای باشد که منجر به ایجاد تقویت گرایش و تمایل کارآفرینانه در آن‌ها گردد. گرایش کارآفرینانه شامل نوآوری، پیشگامی، ریسک‌پذیری، رقابت تهاجمی و استقلال^۵ است (۸،۱۰). نقش ویژگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه در تحقیقات قابلیت‌اشتغال کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بل (۷)، بیان می‌کند که قابلیت‌اشتغال و مهارت‌ها و ویژگی‌های کارآفرینانه مکمل هم هستند؛ زیرا در حال حاضر محور اصلی اشتغال برای اکثریت دانش‌آموختگان دانشگاهی، بخش خوداشتغالی و کارآفرینی است و بدون تسلط به ویژگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه امکان موفقیت در رابطه با اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی در این بخش خیلی کم خواهد بود (۱۱،۲۸،۳۵). از آنجا که تصمیم‌گیری برای کارآفرینی یک تصمیم داوطلبانه و آگاهانه محسوب می‌شود (۱۶،۳۱)، گرایش کارآفرینانه، پیش‌درآمد و فاکتور مؤثری بر کسب مهارت‌های کارآفرینانه جهت اقدام به راه‌اندازی کسب‌وکار یا تصمیم‌گیری برای کارآفرین‌بودن و خلق یک کار جدید، تلقی می‌شود (۴۱). بنابراین، تمرکز و توجه خاص نسبت به گرایش کارآفرینانه در دانشجویان باید به‌عنوان مکمل مجموعه مهارت‌های ذکرشده در رهیافت اشتغال‌پذیری لحاظ گردد.

حسینی‌نیا و همکاران (۲۲)، در مطالعه‌ی خود به این نتیجه رسیدند که گرایش‌های کارآفرینانه از جمله نوآوری، ریسک‌پذیری، پیشگامی، رقابت تهاجمی و استقلال فرد در بروز رفتارهای شبکه محور و کسب اطلاعات، توانایی فرصت و منابع کلیدی تأثیر دارد. زهیری و همکاران (۴۴)، در پژوهشی نشان دادند که گرایش کارآفرینانه بر عملکرد مؤثر بوده و از میان مؤلفه‌های آن، پیشگامی، رقابت‌پذیری و



شکل ۱- چارچوب مفهومی پژوهش
Figure 1. Conceptual Framework of the study

قرار گرفتند. جامعه آماری معادل ۱۸۷۴ دانشجوی دانشکده کشاورزی در تمام بخش‌های آموزشی و مقاطع تحصیلی تا زمان انجام پژوهش (سال ۱۳۹۹) بودند. نمونه تصادفی ۳۶۵ نفره در مرحله اول نمونه‌گیری طبق فرمول (۱۲) محاسبه شد و سپس سعی شد که از هر بخش دانشکده، نمونه‌ای تصادفی انتخاب گردد (جدول ۱).

$$n = N \delta^2 / (N-1) D + \delta^2$$

$$n = (1874)(112/5) / (1873)(0/25) + (112/5) = 362/0.2 \approx 365$$

$$B = D^2 / 4 = (1)^2 / 4 = 0/25$$

که:

N = تعداد کل دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز
 n = حجم نمونه
 δ^2 = واریانس نمونه (بر اساس نتایج پایلوت)
 B = میزان خطای احتمالی

روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش پژوهش آمیخته (ترکیبی از روش کیفی و کمی) انجام شد. بخش کمی مطالعه با بهره‌گیری از فن پیمایش در قالب یک مطالعه توصیفی انجام گرفت. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده گردید. روایی صوری پرسشنامه طبق نظر اساتید بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز و پایایی آن با انجام مطالعه راهنما از یک نمونه ۳۰ نفری دانشجویان دانشگاه شیراز و خارج از نمونه اصلی مورد سنجش و تأیید قرار گرفت. ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش بین ۰/۷۶ تا ۰/۹۱ بدست آمد. جامعه مورد مطالعه در بخش کمی مطالعه، تمام دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی‌شده، نمونه‌ای معرف از کلیه بخش‌های دانشکده انتخاب و مورد مصاحبه

جدول ۱- نمونه کل مورد مطالعه به تفکیک بخش‌های مختلف آموزشی دانشکده

بخش آموزشی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
اقتصاد کشاورزی	۳۰	۸/۲	۸/۲
ترویج و آموزش کشاورزی	۳۶	۹/۹	۱۸/۱
تولید و ژنتیک گیاهی	۳۱	۸/۵	۲۶/۶
علوم باغبانی	۲۲	۸/۸	۳۵/۳
علوم دامی	۳۱	۸/۵	۴۳/۸
علوم خاک	۳۱	۸/۵	۵۲/۳
علوم و صنایع غذایی	۴۳	۱۱/۸	۶۴/۱
گیاهپزشکی	۴۰	۱۱	۷۵/۱
مهندسی آب	۳۰	۸/۲	۸۳/۳
مهندسی بیوسیستم	۳۰	۸/۲	۹۱/۵
مهندسی منابع طبیعی و محیط‌زیست	۳۱	۸/۵	۱۰۰
جمع کل	۳۶۵	۱۰۰	-

Table 1. Total studied cases of different educational departments of the school

دانشکده‌های دانشگاه هستند که در حوزه مهارت‌آموزی و کارآفرینی دارای سوابق علمی و اجرایی هستند. یافته‌های بخش کیفی با شیوه‌های توسعه طبقات، نمودار سلسله‌مراتبی مفاهیم و شمارش از جمله روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات مورد بررسی قرار گرفت. تعاریف مفهومی و کارکردی متغیرهای مدل نظری (نگاره ۱) در جدول ۲ بیان شده است.

در بخش کیفی با استفاده از روش مطالعه موردی، مصاحبه‌هایی عمیق با اساتید صاحب‌نظر و درگیر در فعالیت‌های کارآفرینی دانشگاه شیراز انجام شد. در این بخش، با بکارگیری از تکنیک نمونه‌گیری هدفمند و غیراحتمالی، مصاحبه‌های عمیق با اعضای شورای بهبود مهارت‌آموزی و ارتقای توان اشتغال‌پذیری دانشجویان دانشگاه شیراز (۱۲ نفر) انجام گرفت. اعضای این شورا متشکل از نمایندگان از تمامی

جدول ۲- تعاریف مفهومی و کارکردی متغیرهای پژوهش

Table 2. Conceptual and operational definitions of research variables

تعریف	تعداد گویه	متغیر
گذراندن یا عدم اخذ واحدهای اختیاری مرتبط با کارآفرینی، مدیریت کسب‌وکار، رویداد کارآفرینی در کشاورزی و ... است. علاوه بر این رضایت پاسخگو از تجربه اخذ این دروس و کیفیت و کاربردی بودن دروس مرتبط با کارآفرینی نیز مورد سنجش قرار گرفت.	۵	تجربه دروس کارآفرینی
دیدگاه پاسخگویان نسبت به درس دو واحدی کارآموزی است که دانشجویان در دوره‌ی کارشناسی آن را می‌گذرانند. تجربه‌ی گذراندن این درس، کیفیت دوره و همچنین میزان سودمندی و کاربردی بودن دوره، مزایای گذراندن کارآموزی برای دانشجویان و همچنین چگونگی اجرای بهتر این دوره در قالب این متغیر مورد سنجش قرار گرفت. تعدادی از پرسش‌ها، دیدگاه دانشجویان نسبت به شیوه‌ی فعلی دوره‌ی کارآموزی را مورد پرسش قرار می‌داد و بخش دوم پرسش‌ها به چگونگی برگزاری این دوره به گونه‌ای مطلوب، کاربردی‌تر، متمرکز و عملیاتی می‌پرداخت.	۱۰	نگرش به دوره کارآموزی (فعلی و مطلوب)
میزان شرکت پاسخگو در انواع دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مهارت‌آموزی است که از طریق انجمن‌های علمی دانشجویی، هسته‌ی کارآفرینی دانشکده، مرکز نوآوری و کارآفرینی دانشگاه و سایر مؤسسات آزاد برگزار شده است.	۸	شرکت در کارگاه‌های مهارتی
حضور پاسخگو در انواع استارت‌آپ‌های برگزار شده در دانشگاه و یا خارج از دانشگاه است (هم به صورت شرکت‌کننده و هم به صورت مشارکت فعال در ایده‌پردازی و رقابت تیمی). تجربه شرکت در چنین رویدادهای کارآفرینی، کیفیت برگزاری و سودمندی و فوایدی که شرکت در این رویدادها برای دانشجو داشته است.	۱۰	تجربه شرکت در استارت‌آپ
مجموعه توانایی‌ها، شایستگی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز دانشجویان و دانش‌آموختگان است که آنان را برای اشتغال در کسب‌وکار آینده آن‌ها مجهز می‌کند. به اعتقاد پول و سول (۲۶)، قابلیت اشتغال به مهارت‌ها، دانش، درک و ویژگی‌های فردی که احتمال انتخاب و کسب مشاغل که فرد در آن‌ها می‌تواند راضی و موفق باشد، اشاره دارد. این متغیر دارای سه زیرمجموعه کلی مهارت‌های آکادمیک (دانش تخصصی، تفکر منطقی، حل مسئله و ...)، مهارت‌های توسعه فردی (خودکارآمدی، تعهدپذیری، خلاقیت، انتقادپذیری و ...) و مهارت‌های کسب‌وکار (مهارت‌های کارآفرینی، مهارت‌های مدیریتی و رهبری، روحیه کار تیمی و ...) است.	۲۹	قابلیت اشتغال
گرایش کارآفرینانه به‌عنوان یک جهت‌گیری استراتژیک تلقی شده که روش‌ها، شیوه‌ها و سبک‌های تصمیم‌گیری را در برمی‌گیرد. گرایش کارآفرینانه یک ساختار با ارزش برای درک این موضوع است که کسب‌وکارها چگونه و چرا قادرند به‌طور مرتب و در طول زمان از طریق راه‌های جدید رشد و توسعه یابند (۱۰). این متغیر برای دانشجویان بدین صورت تعریف می‌شود که مهارت‌های اکتسابی آنان در حین تحصیل در دانشگاه تا چه حد در راستای ایجاد تمایلات کارآفرینانه در آنان خواهد شد. طبق پیشینه‌نگار شده‌ها، گرایش کارآفرینانه از پنج بعد (۳۳،۳۷) نوآوری (تمایل دانشجو نسبت به حمایت از ایده‌های جدید، خلاقانه، پیشگامی (توانایی دانشجو در پیش‌بینی تغییرات و فرصت‌های آتی برای تولید و توسعه محصولات جدید یا بهبود محصولات فعلی و تشخیص روند بازارهای آتی)، ریسک‌پذیری (جرات فراگیر در اقدام به انجام فعالیت‌هایی که تاکنون کسی انجام نداده یا پیامدهای شفاف ندارد)، استقلال (پیاپی‌سازی ایده‌ها و اقدامات جدید با اتکالی به خود و بدون وابستگی) و رقابت‌تجاری (نگرش چالشی به رقاباتی که تلاش می‌کنند تا جایگاه‌شان را بهبود ببخشند یا به بازارهای جدید ورود کنند) تشکیل شده است.	۳۰	گرایش کارآفرینانه
میزان آمادگی، علاقه و نیت پاسخگو برای اقدام به ایجاد و توسعه یک فعالیت تجاری در آینده (پس از دانش‌آموختگی) است. به بیان دیگر، دانشجو تا چه اندازه آمادگی و عزم این را دارد که پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی، به‌طور مستقل وارد یک شغل خصوصی شده و با تکیه بر تخصص و مهارت‌های خود و شبکه اطرافش به درآمدزایی مبادرت ورزد.	۹	تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار

تمامی متغیرها در قالب مجموعه سؤالاتی با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت در پرسشنامه سنجیده شدند.

جبری گویه‌های هر متغیر (جدول ۲) سنجیده شده و به‌عنوان یک متغیر نهایی وارد مدل شده‌اند تا اثرات مستقیم و غیرمستقیم هر یک بر متغیر وابسته پژوهش، تحلیل گردد. در این راستا شرایط لازم برای پرازش داده-مدل شامل موارد زیر است: نسبت کای‌اسکوئر (Chi-square) به درجه آزادی (df)

در بخش کمی از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS استفاده شد. در تجزیه و تحلیل داده‌های این بخش، با بکارگیری مدل معادلات ساختاری به واکاوی عوامل مؤثر بر تمایل دانشجویان به راه‌اندازی کسب‌وکار پس از دانش‌آموختگی به‌عنوان اصلی‌ترین هدف مطالعه پرداخته شد. لازم به ذکر است که متغیرهای موجود در مدل مفهومی پژوهش با جمع

آمد. این ضرایب با مقدار کمتر از ۰/۱۰ نشان‌دهنده اثرات ضعیف، مقادیر بین ۰/۱۰ و ۰/۳۰ نشان‌دهنده اثرات متوسط و مقادیر ۰/۵۰ و بالاتر مبین اثرات قوی یک متغیر بر متغیر دیگر است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقادیر متناسب شاخص‌های برازش با تطبیق با شرایط لازم که در بخش روش پژوهش ذکر شد، نشانگر سازگاری مناسب داده-مدل است.

تفکیک اثرات علی متغیرها بر مهارت‌های آکادمیک، توسعه فردی و کسب‌وکار دانشجویان

اثرات علی متغیرها بر مهارت‌های آکادمیک دانشجویان در جدول ۳ و نگاره ۲ نشان می‌دهد که معدل کل بر مهارت‌های آکادمیک دانشجویان، اثر مستقیم، مثبت و معنی‌دار دارد ($P=0/0001$, $\beta=0/27$). به‌طوری‌که دانشجویانی که از معدل بالاتری برخوردارند، دارای مهارت آکادمیک بیشتری نیز خواهند شد. از این یافته می‌توان چنین نتیجه گرفت که دروس تدوین‌شده در برنامه‌ی درسی دانشجویان، عمدتاً در راستای تقویت مهارت‌های آکادمیک و تئوریک مؤثر بوده و تقویت سایر انواع مهارت‌ها مانند توسعه‌ی فردی و مدیریت کسب‌وکار کمتر در چارچوب آموزش‌های رسمی دانشگاهی پرداخته می‌شود؛ لذا دانشجویانی که معدل بالاتری داشتند، از بین مهارت‌های سه‌گانه، مهارت آکادمیک در سطح بالاتری بوده است. متغیر نگرش به کارآموزی مطلوب نیز، اثر مستقیم، مثبت، معنی‌دار و متوسطی بر مهارت‌های آکادمیک دانشجویان داشته است ($P=0/0001$, $\beta=0/20$). برطبق نتایج، متغیر حضور و مشارکت در استارت‌آپ‌ها دارای تأثیر مستقیم، مثبت، معنی‌دار و متوسطی بر مهارت‌های آکادمیک دانشجویان می‌باشد ($P=0/001$, $\beta=0/15$).

باید کمتر از ۵ باشد؛ مقدار CFI و NFI باید بیشتر از ۰/۹۵ باشد؛ مقدار RMSEA باید کمتر از ۰/۰۶ باشد (۱۵،۳۴).

نتایج و بحث

به‌منظور ارائه تصویری از دانشجویان مورد مطالعه به‌عنوان پاسخگویان پژوهش، ابتدا توصیفی از وضعیت فردی و تحصیلی آن‌ها ارائه می‌شود. هر دو گروه دانشجویان دختر و پسر در نمونه مورد مطالعه مورد پرسش و بررسی قرار گرفتند؛ بیش‌ترین درصد فراوانی مربوط به دانشجویان دختر بوده است؛ به‌طوری‌که ۲۴۵ نفر از افراد مورد مطالعه را دختران دانشجوی و ۱۲۰ نفر باقیمانده را پسران تشکیل دادند. همچنین، تلاش شد که دانشجویان بخش‌های مختلف آموزشی و از مقاطع تحصیلی سه‌گانه در نمونه مورد مصاحبه قرار گیرند. نتایج حاصل از بررسی توزیع فراوانی مقطع تحصیلی دانشجویان نشان داد که ۵۰/۴ درصد (۱۸۴ نفر) از دانشجویان مورد مطالعه در مقطع کارشناسی، ۳۴ درصد (۱۲۴ نفر) از دانشجویان در مقطع کارشناسی‌ارشد و ۱۵/۶ درصد (۵۷ نفر) از آنان در مقطع دکتری در حال تحصیل هستند. در راستای پرداختن به هدف اصلی پژوهش که شناسایی سازه‌های مؤثر بر تمایل دانشجویان به راه‌اندازی کسب‌وکار پس از دانش‌آموختگی بود، نتایج تحلیل مسیر در ادامه آورده شده است.

واکاوای علی سازه‌های مؤثر بر تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار

نتایج تحلیل مسیر مدل علی سازه‌های مؤثر بر تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار در نگاره ۲ ارائه شده است. در این تحلیل، اثرات مجموعه‌ای از متغیرها بر یکدیگر با استفاده از نرم‌افزار AMOS محاسبه و ضرایب استاندارد مسیر به‌دست

جدول ۳- اثرات مستقیم و کل متغیرهای پژوهش بر متغیر مهارت‌های آکادمیک

Table 3. Total and direct effects of research variables on academic skills

متغیرها معدل کل	اثرات کل استاندارد شده	اثرات مستقیم استاندارد شده	سطح معنی‌داری
	۰/۲۷۹	۰/۲۷۹	۰/۰۰۰۱
نگرش به کارآموزی مطلوب	۰/۲۰۵	۰/۲۰۵	۰/۰۰۰۱
نگرش به کارآموزی فعلی	۰/۰۳۴	۰/۰۳۴	۰/۴۸۰
تجربه‌ی شرکت در استارت‌آپ‌ها	۰/۱۵۷	۰/۱۵۷	۰/۰۰۱
تجربه‌ی دروس کارآفرینی	۰/۰۷۹	۰/۰۷۹	۰/۱۰۲
شرکت در انواع کارگاه‌های مهارت‌آموزی	۰/۰۷۵	۰/۰۷۵	۰/۱۲۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

اثرات علی متغیرها بر مهارت‌های توسعه فردی دانشجویان در جدول ۴ و نگاره ۲ نشان می‌دهد که معدل کل بر مهارت‌های توسعه فردی دانشجویان، اثر مستقیم، مثبت و معنی‌دار دارد ($P=0/0001$, $\beta=0/24$). به‌طوری‌که، دانشجویانی که از معدل بالاتری برخوردارند، مهارت توسعه فردی بیشتری نیز دارند. متغیر نگرش به کارآموزی مطلوب نیز دارای اثر مستقیم، مثبت، معنی‌دار و متوسطی بر مهارت‌های توسعه فردی دانشجویان است ($P=0/018$, $\beta=0/11$). در نتیجه، حضور و مشارکت در رویدادهای کارآفرینی مانند استارت‌آپ‌ها می‌تواند موجب تقویت دو دسته دیگر مهارت‌ها، از جمله مهارت‌های توسعه فردی و مدیریت کسب‌وکار در دانشجویان شود که کمتر در قالب برنامه‌های درسی مدون دانشگاهی مورد توجه هستند. نتایج پژوهشی بر روی

اثرات علی متغیرها بر مهارت‌های توسعه فردی دانشجویان در جدول ۴ و نگاره ۲ نشان می‌دهد که معدل کل بر مهارت‌های توسعه فردی دانشجویان، اثر مستقیم، مثبت و معنی‌دار دارد ($P=0/0001$, $\beta=0/24$). به‌طوری‌که، دانشجویانی که از معدل بالاتری برخوردارند، مهارت توسعه فردی بیشتری نیز دارند. متغیر نگرش به کارآموزی مطلوب نیز دارای اثر مستقیم، مثبت، معنی‌دار و متوسطی بر مهارت‌های توسعه فردی دانشجویان است ($P=0/018$, $\beta=0/11$). در نتیجه، حضور و مشارکت در استارت‌آپ‌ها نیز دارای تأثیر مستقیم، مثبت، معنی‌دار و متوسطی بر مهارت‌های توسعه فردی دانشجویان دارد

و همکاران (۲)، نیز مؤید اهمیت هر سه مجموعه مهارت در ارتقای قابلیت اشتغال دانشجویان بوده اما این پژوهشگران نیز بیان کردند که توجه به مهارت‌های کسب‌وکار باید در اولویت بالاتری نسبت به دو دسته مهارت‌های آکادمیک و توسعه‌ی فردی در آموزش عالی قرار گیرد. همچنین، نتایج مطالعه فولجنس (۱۴)، نیز تأییدکننده‌ی این یافته است که انواع آموزش‌های کارآفرینی شامل برنامه‌های درسی رسمی و کارگاه‌های کمک‌درسی در دانشگاه، توانسته است که سطح مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان تانزانایی را ارتقاء بخشد. همچنین، پژوهش علی‌بیگی و همکاران (۳)، بر روی دانشجویان پنج دانشکده کشاورزی مناطق شرقی ایران نشان داد که تجربه‌ی آموزش‌های کارآفرینی در دوران تحصیل، سابقه‌ی کشاورزی، الزامات دانشگاه در گذراندن برنامه‌های مهارتی و خصیصه‌های شخصیتی، می‌تواند بر تقویت قابلیت اشتغال دانشجویان تأثیرگذار باشد.

اثرات علی متغیرها بر مهارت‌های کسب‌وکار دانشجویان در جدول ۵ و نگاره ۲ نشان می‌دهد که معدل کل بر مهارت‌های کسب‌وکار دانشجویان، اثر مستقیم، مثبت و معنی‌دار دارد ($P=0/0001, \beta=0/23$). بنابراین دانشجویانی که معدل بالاتری دارند، دارای مهارت کسب‌وکار بیشتری نیز هستند. متغیر نگرش به کارآموزی مطلوب نیز دارای اثر مستقیم، مثبت و معنی‌داری بر مهارت‌های کسب‌وکار دانشجویان است ($P=0/0001, \beta=0/21$). همچنین، متغیر حضور و مشارکت در استارت‌آپ‌ها نیز دارای تأثیر مستقیم، مثبت، معنی‌دار و متوسطی بر مهارت‌های کسب‌وکار دانشجویان است ($P=0/0001, \beta=0/17$). به طوری که دانشجویانی که بیشتر در استارت‌آپ‌ها مشارکت داشته‌اند، از مهارت کسب‌وکار بیشتری نیز برخوردار نیز هستند. طبق نتایج متغیر شرکت در انواع کارگاه‌های مهارت‌آموزی نیز دارای اثر مستقیم، مثبت و معنی‌دار بر مهارت‌های کسب‌وکار دانشجویان است ($P=0/05, \beta=0/09$). یافته‌ی پژوهش آقاپور

جدول ۵- اثرات مستقیم و کل متغیرهای پژوهش بر متغیر مهارت‌های کسب‌وکار

Table 5. Total and direct effects of research variables on business skills

متغیرها	اثرات کل استاندارد شده	اثرات مستقیم استاندارد شده	سطح معنی‌داری
معدل کل	۰/۲۳۷	۰/۲۳۷	۰/۰۰۰۱
نگرش به کارآموزی مطلوب	۰/۲۱۴	۰/۲۱۴	۰/۰۰۰۱
نگرش به کارآموزی فعلی	۰/۰۵۸	۰/۰۵۸	۰/۲۳۱
تجربه‌ی شرکت در استارت‌آپ‌ها	۰/۱۷۷	۰/۱۷۷	۰/۰۰۰۱
تجربه‌ی دروس کارآفرینی	۰/۰۶۶	۰/۰۶۶	۰/۱۷۱
شرکت در کارگاه‌های مهارتی	۰/۰۹۳	۰/۰۹۳	۰/۰۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

پژوهشی که با اساتید و دانشجویان یکی از دانشگاه‌های مالزی انجام گرفت، مؤید همین نتیجه است که گرایش کارآفرینانه تأثیر مثبت و معنی‌داری بر میل به تجاری‌سازی و راه‌اندازی کسب‌وکار دارد (۲۵) همچنین، یافته‌های ابراهیم و لوکی (۲۳) در مورد دانشجویان نیجریه‌ای نشان داد که هر دو مؤلفه گرایش کارآفرینانه و مهارت‌های کارآفرینانه اثر مثبت و قوی بر خوداشتغالی دانشجویان دارد. در مطالعه‌ی مشابه دیگر، نقش میانجی و حد واسط متغیر گرایش کارآفرینانه از قابلیت اشتغال بر تمایل به خوداشتغالی در بین دانشجویان شرق آفریقا، نیز مورد تحلیل و تأیید قرار گرفت (۵).

اثرات علی متغیرهای پژوهش بر گرایش کارآفرینانه دانشجویان

طبق نتایج جدول ۶ متغیر مهارت‌های کسب‌وکار دانشجویان تأثیر مستقیم، مثبت و معنی‌داری بر گرایش کارآفرینانه آن‌ها دارد ($P=0/0001, \beta=0/36$). به عبارتی متغیر مهارت‌های کسب‌وکار پیش‌بینی‌کننده و تعیین‌کننده گرایش کارآفرینانه است. طبق نتایج، متغیر مهارت‌های توسعه فردی نیز تأثیر مستقیم، مثبت و معنی‌داری بر گرایش کارآفرینانه دانشجویان دارد ($P=0/0001, \beta=0/45$). به طوری که می‌توان گفت دانشجویانی که مهارت توسعه فردی بیشتری دارند، گرایش کارآفرینانه‌ی بیشتری نیز خواهند داشت. یافته‌های

جدول ۶- اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش بر متغیر گرایش کارآفرینانه

Table 6. Total, direct and indirect effects of research variables on entrepreneurial orientation

متغیرها	اثرات کل استاندارد شده	اثرات مستقیم استاندارد شده	اثرات غیرمستقیم استاندارد شده	سطح معنی‌داری
معدل کل	۰/۱۷۶	-۰/۰۱۹	۰/۱۹۵	۰/۶۸۱
نگرش به کارآموزی مطلوب	۰/۲۲۲	۰/۰۴۹	۰/۱۷۳	۰/۲۶۳
نگرش به کارآموزی فعلی	۰/۰۷۳	۰/۰۳۹	۰/۰۳۴	۰/۳۳۵
تجربه‌ی شرکت در استارت‌آپ‌ها	۰/۱۴۵	۰/۰۰۱	۰/۱۴۴	۰/۹۸۰
تجربه‌ی دروس کارآفرینی	۰/۰۵۹	-۰/۰۱۶	۰/۰۷۵	۰/۷۰۲
شرکت در کارگاه‌های مهارتی	-۰/۰۲۵	-۰/۰۵۰	۰/۰۲۵	۰/۲۲۶
مهارت‌های آکادمیک	-۰/۰۰۷	-۰/۰۰۷	-	۰/۸۷۶
مهارت‌های توسعه‌ی فردی	۰/۴۵۰	۰/۴۵۰	-	۰/۰۰۰۱
مهارت‌های کسب‌وکار	۰/۳۶۶	۰/۳۶۶	-	۰/۰۰۰۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

$P=0/009$ به طوری که می توان گفت دانشجویانی که مهارت کسب و کار بیشتری دارند، تمایل بیشتری به راه اندازی کسب و کار نیز خواهند داشت. مهارت کسب و کار از طریق متغیر گرایش کارآفرینانه نیز اثر غیرمستقیم و مثبتی بر تمایل دانشجویان به راه اندازی کسب و کار دارد ($\beta=0/15$). طبق نتایج، گرایش کارآفرینانه دانشجویان تأثیر مستقیم، مثبت و معنی داری بر تمایل دانشجویان به راه اندازی کسب و کار دارد ($\beta=0/42$ ، $P=0/001$) به طوری که می توان گفت دانشجویانی که گرایش کارآفرینانه بیشتری دارند، تمایل بیشتری به راه اندازی کسب و کار خواهند داشت. نتایج پژوهش عبیدی و همکاران (۱) نیز نشان داد که که میزان خودکارآمدی، مهارت های کارآفرینانه، دانش و مهارت های تخصصی و گرایش و نیت کارآفرینانه به ترتیب بیشترین تأثیر را در راه اندازی کسب و کار و اشتغال دانشجویان دانشکده های کشاورزی و مهندسی دانشگاه کردستان دارد. همچنین، مطالعه ای مشابه دیگری، تأثیر گرایش کارآفرینانه بر ارتقای رفتار شبکه محور تیمی در راستای راه اندازی کسب و کار را مورد تأیید قرار داد (۴). نتیجه ی پژوهش ودا و فلورا (۴۰)، در مورد دانشجویان رومانیایی مؤید این یافته است که آموزش های کارآفرینی و شرکت در انواع رویدادهای کارآفرینانه دارای تأثیر مثبت بر خوداشتغالی دانشجویان پس از تحصیل است.

اثرات علی متغیرهای پژوهش بر تمایل دانشجویان به راه اندازی کسب و کار

طبق نتایج جدول ۷ متغیر تجربه گذراندن دروس کارآفرینی در کشاورزی، تأثیر مستقیم، مثبت و معنی داری بر تمایل دانشجویان به راه اندازی کسب و کار دارد ($\beta=0/16$ ، $P=0/001$). به عبارتی می توان گفت که متغیر تجربه گذراندن دروس کارآفرینی در کشاورزی، پیش بینی کننده و تعیین کننده تمایل دانشجویان به راه اندازی کسب و کار است. تجربه گذراندن دروس کارآفرینی از طریق مهارت های توسعه فردی و گرایش کارآفرینانه نیز اثر غیرمستقیم و مثبت بر تمایل دانشجویان به راه اندازی کسب و کار دارد ($\beta=0/03$). همچنین، متغیر حضور و مشارکت در استارت آپ ها نیز دارای تأثیر مستقیم، مثبت، معنی دار و متوسطی بر مهارت های کسب و کار دانشجویان می باشد ($\beta=0/17$ ، $P=0/001$). همچنین، متغیر حضور و مشارکت در استارت آپ ها نیز دارای تأثیر مستقیم، مثبت و معنی دار بر تمایل دانشجویان به راه اندازی کسب و کار دانشجویان است ($\beta=0/11$ ، $P=0/01$). از طرفی دیگر، این متغیر از طریق بهبود مهارت های توسعه فردی، مهارت های کسب و کار و گرایش کارآفرینانه نیز اثر غیرمستقیم و مثبت بر تمایل دانشجویان به راه اندازی کسب و کار دارد ($\beta=0/08$). طبق نتایج، متغیر مهارت های کسب و کار تأثیر مستقیم، مثبت و معنی داری بر تمایل دانشجویان به راه اندازی کسب و کار دارد ($\beta=0/13$).

جدول ۷- اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش بر متغیر تمایل به راه اندازی کسب و کار

متغیرها	اثرات کل استاندارد شده	اثرات مستقیم استاندارد شده	اثرات غیرمستقیم استاندارد شده	سطح معنی داری
معدل کل	۰/۰۸۴	-۰/۰۱۹	۰/۱۰۳	۰/۶۸۳
نگرش به کارآموزی مطلوب	۰/۱۳۰	۰/۰۰۸	۰/۱۲۲	۰/۸۶۲
نگرش به کارآموزی فعلی	۰/۰۷۶	۰/۰۳۷	۰/۰۳۹	۰/۳۸۳
تجربه ی شرکت در استارت آپ ها	۰/۱۹۷	۰/۱۱۲	۰/۰۸۵	۰/۰۱۲
تجربه ی دروس کارآفرینی	۰/۲۰۱	۰/۱۶۶	۰/۰۳۵	۰/۰۰۱
شرکت در کارگاه های مهارتی	-۰/۰۷۷	-۰/۰۷۴	-۰/۰۰۳	۰/۰۸۴
مهارت های آکادمیک	-۰/۰۵۳	-۰/۰۵۰	-۰/۰۰۳	۰/۳۷۹
مهارت های توسعه ی فردی	۰/۲۳۷	۰/۰۴۴	۰/۱۹۳	۰/۴۰۴
مهارت های کسب و کار	۰/۲۸۹	۰/۱۳۲	۰/۱۵۷	۰/۰۰۹
گرایش کارآفرینانه	۰/۴۲۸	۰/۴۲۸	-	۰/۰۰۱

مأخذ: یافته های پژوهش

مصاحبه با اساتید عضو شورای بهبود در این زمینه یادداشت برداری و طبقه بندی شد. بر اساس یافته ها، استراتژی ها و اقدامات پیشنهادی برای ارتقای توان اشتغال پذیری دانشجویان طبق دیدگاه اساتید پاسخگو به چهار دسته ی استراتژی های آموزشی، استراتژی های اجرایی، استراتژی های حمایتی، استراتژی های انگیزشی دسته بندی شدند. نتایج توسعه مفاهیم مرتبط با استراتژی های پیشنهادی برای اشتغال پذیری دانشجویان در جدول ۸ و همچنین به صورت دیاگرام درختی (نگاره ۳) به صورت مختصر گزارش شده است.

با توجه به اهمیت انواع مهارت های سه گانه اشتغال پذیری در دانشجویان مطابق با یافته های تحلیل علی، با اساتید متخصص و فعال در حوزه کارآفرینی دانشگاه شیراز پیرامون استراتژی های پیشنهادی در راستای تقویت توان اشتغال پذیری دانشجویان در دوران تحصیل، مصاحبه های عمیقی صورت پذیرفت که یافته های بخش کیفی حاصل از این مصاحبه ها در بخش بعدی دسته بندی و تجزیه و تحلیل شده است.

استراتژی های پیشنهادی برای ارتقای توان اشتغال پذیری دانشجویان

در این بخش، به تعیین استراتژی ها و اقدامات پیشنهادی برای ارتقای توان اشتغال پذیری دانشجویان پرداخته شد. نتایج

جدول ۸- استراتژی‌های پیشنهادی برای اشتغال‌پذیری دانشجویان

Table 8. Suggestive strategies of students' employability

نوع استراتژی	نقل قول اساتید
استراتژی‌های آموزشی	"برگزاری سمینار و نشست در زمینه کارآفرینی." "تقویت جنبه‌های مثبت دانشجویان در ابعاد مختلف با ارائه آموزش‌های متناسب" "توجه و تأکید بر آموزش‌های فرابرنامه‌ای." "رصد دانشجویان فارغ‌التحصیل مخصوصاً در مقاطع بالاتر" "توجه به آموزش‌های نوین شامل آموزش‌های مسئله‌محور، آموزش مرتبط با خلاقیت، آموزش کسب‌وکار، آشنایی با کامپیوتر و ... یعنی آموزش عملی همراه تئوری باشد." "تعریف واحدهای درسی با عناوین مرتبط با کارآفرینی." "تغییر سرفصل بعضی از دروس در راستای کاربردی نمودن آن‌ها." "آموزش‌هایی که در راستای تقویت مهارت‌های کار تیمی باشند." "آموزش‌های چگونگی سنجش و شناخت بازار داخلی و جهانی." "آموزش مهارت‌های کارآفرینی و اخلاق حرفه‌ای."
استراتژی‌های اجرایی	"بازدیدهای علمی، دعوت از کارآفرینان موفق، بازدید از صنایع مرتبط در برنامه کار دانشگاه قرار گیرد." "برگزاری کارگاه‌های مهارتی، استارت‌آپ‌ها، مدل‌سازی." "تعامل قوی‌تر با سازمان‌های بیرون دانشگاه." "ادغام آموزش و محیط کار" "همه‌انگهی با صنعت، آموزش‌های عملی و تئوری و مرتبط کردن دانشجویان با جامعه و صنعت." "توجه بیشتر به پارک علم‌وفناوری و سازماندهی و افزایش کیفیت در دوره‌های کارآموزی و توسعه دوره‌های مهارت فردی و شغلی." "دعوت از کارآفرینان از بیرون از دانشگاه برای روایت تجربه زندگی خود به دانشجویان." "برگزاری رویدادهای تخصصی مثل ایده‌شو، انواع رویدادهای کارآفرینی و ..." "تشکیل شورای بهبود مهارت‌آموزی در سطح دانشکده‌ها و ارتباط بیشتر با برج نوآوری در راستای اجرای جنبه‌های عملی برنامه‌های آموزشی-مهارتی." "تدوین و اجرای برنامه چهارساله برای هدایت هدفمند فعالیت‌های دانشجویان کارشناسی." "معرفی و تیم‌سازی افراد موفق برای کسب‌وکار کوچک."
استراتژی‌های حمایتی	"حمایت مالی از طرح‌ها و سرمایه‌گذاری بر پروژه‌های دارای پتانسیل و نوآورانه تیم‌های دانشجویی" "اختصاص تسهیلات برای دانشجویان و در نظر گرفتن امتیاز علمی برای اساتید فعال در کارآفرینی" "تسهیل اخذ مجوز برای شروع شرکت دانش‌بنیان" "امضای تفاهم‌نامه‌ی همکاری با سازمان‌های مرتبط برای کارورزی و کارآموزی" "ارتباط بیشتر و بهتر دانشگاه با اداره فنی‌وحرفه‌ای و مرکزی که تحت عنوان مرکز مدیریت مهارت‌آموزی و مشاوره شغلی در دانشگاه راه‌اندازی شده است"
استراتژی‌های انگیزشی	"تغییر نگرش اساتید نسبت به کارآفرینی" "افزایش روحیه کارآفرینی بین دانشجویان و فارغ‌التحصیلان" "درگیر کردن دانشجو با مسئله" "حضور فعال اساتید در رویدادهای کارآفرینی" "اجرای اقدامات مشخص و کاربردی در راستای افزایش توان اشتغال‌پذیری"

مأخذ: یافته‌های پژوهش

قالب استراتژی‌های حمایتی نیز، به تخصیص بودجه و اعتبارات و وام‌های کم‌بهره برای دانشجویان و دانش‌آموختگان در راه‌اندازی کسب‌وکار اشاره شد؛ همچنین، تقویت روحیه کارآفرینی در بین اساتید و دانشجویان از استراتژی‌های مؤثری بود که در طبقه‌ی استراتژی‌های انگیزشی، پاسخگویان بر آن تأکید داشتند.

بر اساس نتایج جدول ۹ پرتکرارترین استراتژی‌ها مربوط به استراتژی‌های اجرایی بود که شامل برنامه‌ریزی در برگزاری انواع بازدیدها، سمینارها، نشست‌ها با دعوت از کارآفرینان موفق و ترغیب دانشجویان به تیم‌سازی و راه‌اندازی کسب‌وکار، از پرتکرارترین‌ها در این طبقه بودند. از نظر استراتژی‌های آموزشی نیز تأکید پاسخگویان در برگزاری کارگاه‌های مهارتی و آموزش‌های فرابرنامه‌ای و نوین بود. در

جدول ۹- نتایج شمارش مفاهیم مرتبط با استراتژی‌های پیشنهادی برای اشتغال‌پذیری دانشجویان

Table 9. Enumeration results of related concepts regarding suggestive strategies of students' employability

رتبه	نوع استراتژی	تعداد تکرار
۱	استراتژی‌های اجرایی	۱۳۵
۲	استراتژی‌های آموزشی	۱۰۲
۳	استراتژی‌های حمایتی	۹۵
۴	استراتژی‌های انگیزشی	۸۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آن‌ها به راه‌اندازی کسب‌وکار نیز افزایش خواهد یافت. دانشجویانی که در کارگاه‌های مهارتی بیشتر شرکت کردند و تجربه دروس کارآفرینی بیشتری را داشتند، حضورشان در استارت‌آپ‌ها هم بیشتر بوده است. دیگر متغیرهای پژوهش از طریق، متغیرهای میانجی و در نهایت از طریق تقویت گرایش کارآفرینانه، می‌توانند به طور غیرمستقیم بر تمایل مخاطبین

طبق نتایج بخش کمی و مدل معادلات ساختاری، دو متغیر حضور و مشارکت در استارت‌آپ‌ها و تجربه‌ی گذراندن دروس کارآفرینی دارای تأثیر مستقیم بر تمایل دانشجویان نسبت به راه‌اندازی کسب‌وکار هستند. در واقع، هر چه دانشجویان بیشتر در استارت‌آپ‌ها شرکت داشته باشند، تمایل

نوآوری‌های خلاقانه، پیشگامی در عرصه کسب‌وکار و رقابت تهاجمی همراه با استقلال و خودتکایی را در دانشجو ایجاد نماید. علاوه بر سازه‌های قابلیت‌اشتغال و گرایش کارآفرینانه، برخی عوامل دیگر مانند، ویژگی‌های فردی (جنسیت، رشته تحصیلی و معدل)، تجربه گذراندن دروس کارآفرینی و دوره‌ی کارآموزی، شرکت در انواع دوره‌ها و رویدادهای آموزشی و استارت‌آپ‌های کارآفرینی نیز می‌توانند بر تمایل دانشجویان در برانگیخته شدن برای راه‌اندازی کسب‌وکار فردی خود پس از اتمام تحصیل مؤثر باشند.

در راستای ارتقای قابلیت‌اشتغال دانشجویان و همچنین مقابله با چالش‌ها و مشکلات مطرح‌شده، راهکارهای پیشنهادی آموزشی، اجرایی، حمایتی و انگیزشی زیر را می‌توان ارائه داد:

- برگزاری دوره‌ای رویدادهای کارآفرینانه مانند انواع استارت‌آپ‌ها در حوزه‌های تخصصی مختلف که فرصتی مساعد برای شبیه‌سازی دانشجویان در تشکیل تیم‌های خود و آشنایی با حامیان و مسئولین را فراهم ساخته و از طرف دیگر، فضای رقابتی سازنده‌ای را نیز برای ایده‌های مختلف ایجاد می‌کند.

- برگزاری کارگاه‌های متنوع مهارتی و کاملاً عملیاتی نیز مورد تأکید است، زیرا برخی کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی با برچسب مهارتی، بیشتر جنبه‌ی آموزش‌های نظری داشته که از اهداف و استانداردهای یک کارگاه مهارت‌آموزی فاصله دارد.

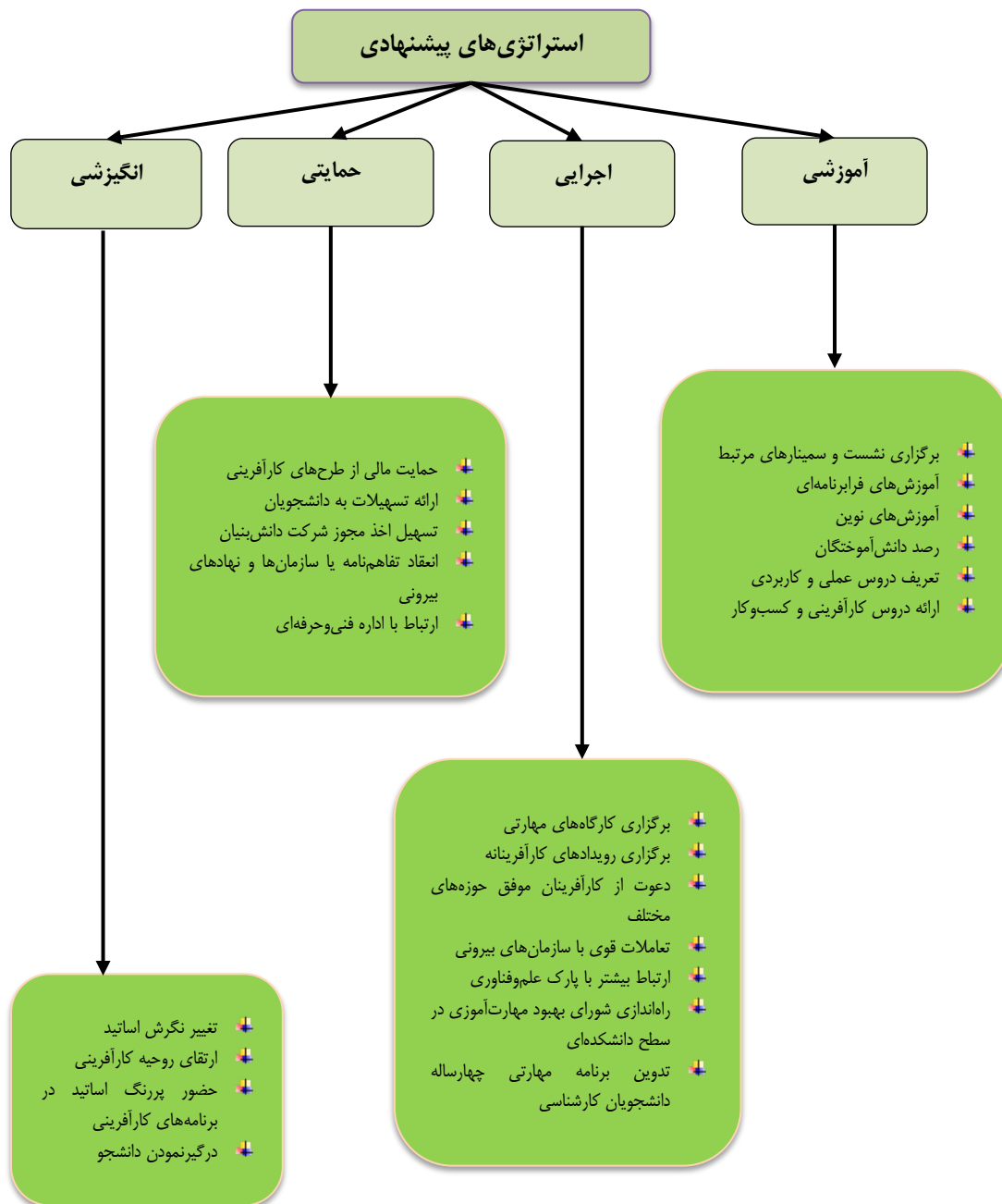
- دعوت از کارآفرینان موفق ملی و بین‌المللی در قالب برگزاری جلسات حضوری و مجازی در این خصوص حائز اهمیت است تا با بیان داستان زندگی و مسیر پرفراز و نشیبی که طی نمودند، تجربیات خود را به دانشجویان منتقل نمایند. در صورتی که کارآفرینان مدعو از دانش‌آموختگان سابق همان دانشکده یا دانشگاه باشند، اثربخشی سخنرانی‌های آن‌ها از طریق ایجاد حس همذات‌پنداری در دانشجویان بیشتر خواهد شد.

- راه‌اندازی شورای بهبود مهارت‌آموزی در سطح دانشکده‌ای به‌منظور درگیر نمودن تعداد بیشتری از اساتید در برنامه‌های مهارت‌آموزی و استفاده از ایده‌های متنوع و خلاقانه جمعی و تقویت آموزش‌های فرابرنامه‌ای و نوین که طی چند سال اخیر با ابلاغ معاونت آموزشی دانشگاه، از سوی مرکز نوآوری و کارآفرینی دانشگاه اجرا شده است؛ تعریف دروس عملی و کاربردی بیشتر در برنامه‌ی درسی دانشجویان و ارائه‌ی بیشتر دروس کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکار از اولویت‌های این شورا است تا سبب ارتقای روحیه‌ی کارآفرینی و درگیر نمودن دانشجو در حوزه‌های عملیاتی کسب‌وکار از دوران تحصیل گردد.

- برگزاری نشست‌ها و سمینارهای مرتبط با مباحث کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکار و تقویت ارتباطات و تعاملات قوی با سازمان‌های بیرونی دانشگاه، مانند پارک علم‌وفناوری و اداره کل فنی‌وحرفه‌ای می‌تواند مکمل‌های بسیار خوبی برای آموزش‌های کاربردی دانشجویان باشد.

به ایجاد کسب‌وکار مؤثر باشند. بر طبق یافته‌ها، معدل بر افزایش هر سه دسته مهارت‌های اشتغال‌پذیری داری اثر مستقیم است و در وهله‌ی بعد تقویت سطوح مهارتی نیز موجب تقویت گرایش کارآفرینانه و سپس بالا بردن تمایل به ایجاد کسب‌وکار خواهد شد. نکته جالب‌توجه این است که مهارت‌های آکادمیک به‌تنهایی تأثیری بر ارتقای گرایش کارآفرینانه و ایجاد تمایل نداشته است؛ درحالی‌که عمده‌ی توجه و تمرکز دانشگاه‌ها بر افزایش سطح مهارت آکادمیک دانشجویان است. دسته دوم مهارت‌ها، یعنی مهارت‌های توسعه فردی به‌طور غیرمستقیم و از طریق گرایش کارآفرینانه بر تمایل به راه‌اندازی کسب و کار تأثیر دارند. مهارت‌های کسب‌وکار، تنها مهارت‌هایی است که به‌طور مستقیم باعث افزایش تمایل به ایجاد کسب‌وکار خواهد شد. از بین متغیرهای مربوط به کارآموزی، تنها کارآموزی به شیوه مطلوب است که می‌تواند از طریق تأثیر بر متغیرهای مهارتی و سپس گرایش کارآفرینانه، بر تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار اثرگذار باشد. در حالی که کارآموزی به شیوه‌ی فعلی، تنها متغیری در مدل است که هیچ‌گونه تأثیر مستقیم یا غیرمستقیمی بر تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار نداشته است؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که دانشگاه در راستای افزایش توان اشتغال‌پذیری، گرایش کارآفرینانه و سطح تمایل دانشجویان، نیازمند تحول در ساختار اجرایی دوره‌ی کارآموزی است. تجربه دروس کارآفرینی بر مهارت‌های توسعه فردی تأثیرگذار بوده و از سوی دیگر، کارگاه‌های مهارتی نیز توانسته تأثیری مستقیم بر مهارت‌های کسب‌وکار داشته باشد؛ بنابراین، افزایش کمی و کیفی دروس مرتبط با کارآفرینی و همچنین، برگزاری کارگاه‌های مهارت‌آموزی و فرابرنامه‌ای می‌تواند با ارتقای سطح مهارت‌های توسعه فردی و مهارت‌های کسب‌وکار، گرایش کارآفرینانه و تمایل دانشجویان نسبت به راه‌اندازی کسب‌وکار را افزایش دهد. در جمع‌بندی یافته‌های مدل معادلات ساختاری، باید بیان نمود که متغیر گرایش کارآفرینانه، حلقه‌ی اتصال انواع مهارت‌های قابلیت‌اشتغال و سایر متغیرهای پژوهش به متغیر اصلی مطالعه یعنی ایجاد و افزایش تمایل دانشجویان نسبت به راه‌اندازی کسب‌وکار پس از دانش‌آموختگی است؛ لذا تمرکز صرف و سرمایه‌گذاری مجزا بر هر یک از متغیرهای مدل، بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های گرایش کارآفرینانه، نمی‌تواند نتیجه‌ی مطلوبی در ترغیب دانشجویان به راه‌اندازی کسب‌وکار، بدنبال داشته باشد.

بنابراین، در راستای کمک به ایجاد تمایل و عزم دانشجویان و دانش‌آموختگان در راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای فردی پس از تحصیل، مجموعه‌ای از عوامل حائز اهمیت و توجه هستند. یکی از فاکتورهای مهم، قابلیت‌اشتغال بوده که دانشجویان را به‌ترکیبی از انواع مهارت‌های متنوع مجهز می‌نماید. از سوی دیگر، این مهارت‌ها باید چنان هدفمند، باکیفیت و کاربردی باشند که گرایش کارآفرینانه در مخاطبین را ایجاد و تقویت نماید. به‌عبارت دیگر، مهارت‌های مذکور برای افزایش قابلیت‌اشتغال در صورتی سودمند خواهند بود که جرأت ریسک کردن، تمایل به



شکل ۳- دیاگرام درختی مفاهیم مرتبط با استراتژی‌های پیشنهادی برای اشتغال‌پذیری دانشجویان
Figure 3. Tree diagram of related concepts of suggestive strategies of students' employability

منابع

1. Abdi, A., F. Eskandari and M. Jalali. 2020. Compararative analysis of the employability of agricultural and engineering students (The case of Kurdistan University). *Iran Agricultural Extension and Education Journal*, 15(2): 271-283 (In Persian).
2. Aghapoor, Sh., H. Movahed-Mohammadi and A. Alambaigy. 2015. The role of key skills in shaping students' employability. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 71: 41-56 (In Persian).
3. Alibaygi, A.H., S. Barani, E. Karamidehkordi and M. Pouya. 2013. Employability determinants of senior agricultural students in Iran. *Journal of Agricultural Science and Technology*, 15: 673-683.
4. Alizadeh, R., Gh.H. Hosseininia and M.J. Taghopouryan. 2020. Entrepreneurial orientation of agricultural home-based business owners on their network-oriented behaviors in selected provinces. *Iran Agricultural Extension and Education Journal*, 15(2): 17-29.

5. Atitsogbe, K.A., N.P. Mama, L. Sovet, P. Pari and J. Rossier. 2019. Perceived employability and entrepreneurial intentions across university students and job seekers in Togo: The effect of career adaptability and self-efficacy. *Frontiers in Psychology*, 10: 1-14.
6. Behroozi, M. 2005. Analyzing the abilities and capabilities of university graduates in response to the needs of the labor market in order to provide an appropriate perceptual framework (Ph.D. dissertation, Department of Educational Management, Islamic Azad University, Branch of Science and Technology) (In Persian).
7. Bell, R. 2016. Unpacking the link between entrepreneurialism and employability: An assessment of the relation ship between entrepreneurial attitudes and likelihood of graduate employment in a professional field. *Education and Training*, 58(1): 2-17.
8. Bosso, O., A. Fayolle and V. Bouchard. 2009. Entrepreneurial orientation: The making of a concept. *International Journal of Entrepreneurship and Innovation*, 10(4): 313-321.
9. Bridgstock, R. 2009. The graduate attributes we've overlooked: Enhancing graduate employability through career management skills. *Higher Education Research & Development*, 28(1): 31-44.
10. Covin, J.G. and G.T. Lumpkin. 2011. Entrepreneurial orientation theory and research: Reflections on a needed construct. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 35(5): 855-872.
11. Duval-Couetil, N. 2013. Assessing the impact of entrepreneurship education programs: Challenges and approaches. *Journal of Small Business Management*, 51(3): 394-409.
12. Ehiyazaryan, E. and N. Barraclough. 2009. Enhancing employability: Integrating real world experience in the curriculum. *Education & Training*, 51(4): 292-308.
13. Fowler, F. J. 2009. Survey research methods. Applied social research method series, In: Bickman, L., Rog, D.J., (Eds.), USA: SAGE.
14. Fulgence, K. 2015. Employability of higher education institutions graduates: Exploring the influence of entrepreneurship education and employability skills development program activities in Tanzania. (Doctoral dissertation, School of Economic Disciplines, University of Siegen, Germany).
15. Gefen, D., D.W. Straub and M. Boudreau. 2000. Structural equation modeling and regression: Guidelines for research practice. *Communications of Association for Information Systems*, 4(7): 1-78.
16. Golkar Fard, M. and K. Rezaei-Moghaddam. 2019. Relationship between entrepreneurship and empowerment dimensions of rural women in Fars province. *Journal of Entrepreneurial Strategies in Agriculture*, 6(11): 1-10 (In Persian).
17. Harvey, L. 1999. Employability audit toolkit. Birmingham: Centre for Research into Quality.
18. Harvey, L. 2001. Defining and measuring employability. *Quality in Higher Education*, 7(2): 97-109.
19. Hennemann, S. and I. Liefner. 2010. Employability of German geography graduates: The mismatch between knowledge acquired and competences required. *Journal of Geography in Higher Education*, 34(2): 215-230.
20. Hillage, J. and E. Pollard. 1998. Employability: Developing a framework for policy analysis. *Research Brief*, 85.
21. Hodgetts, R.M. and D.F. Kuratko. 2001. *Entrepreneurship: A contemporary approach*. South-Western/Thompson Learning.
22. Hosseininia, Gh., Sh. Moghaddas Farimani and A. Jafari. 2017. The effect of entrepreneurial orientation of cooperatives on supply and production of agricultural inputs and tools on their performance: Considering the role of market orientation adjustment. *Cooperation and Agriculture*, 6(22): 1-35 (In Persian).
23. Ibrahim, N.A. and E.O. Lucky. 2014. Relationship between entrepreneurial orientation, entrepreneurial skills, environmental factor and entrepreneurial intention among Nigerian students in UUM. *Entrepreneurship and Innovation Management Journal*, 2(4): 203-213.
24. Iglesias-Sanchez, P.P., C. Jambrino-Maldonado and C. Heras-Perdrosa. 2019. Training entrepreneurial competences with open innovation paradigm in higher education. *Sustainability*, 11: 1-23.
25. Ismail, K., M.A. Anuar, W.Z. Omar, A.A. Aziz, Kh. Seohod and C.S. Akhtar. 2015. Entrepreneurial intention, entrepreneurial orientation of faculty and students towards commercialization. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 181: 349-355.
26. Jackson, D. 2015. Employability skill development in work integrated learning: Barriers and best practice. *Studies in Higher Education*, 40(2): 350-367.
27. Jalali, Kh. 2004. Regulation of graduate employment of agricultural and natural resources. *Quarterly Periodical of Agricultural Engineering System and Natural Resources*, 2: 19-23.
28. Karami, O., M. Fatemi, K. Rezaei-Moghaddam and F. Badzaban. 2021. Comparison of marketing activities among the rural women ofomid entrepreneurship fund and agricultural development specialized holding companies in Fars province. *Journal of Entrepreneurial Strategies in Agriculture*, 7(14): 57-66 (In Persian).
29. Knight, P.T. and M. Yorke. 2002. Employability through the curriculum. *Tertiary Education and Management*, 8(4): 261-276.
30. Knight, P.T. and M. Yorke. 2003. Employability and good learning in higher education. *Teaching in Higher Education*, 8(1): 2-14.

31. Krueger, N.F., M.D. Reilly and A.L. Carsrud. 2000. Competing models of entrepreneurial intentions. *Journal of Business Venturing*, 15: 411-432.
32. Lindsay, C., M. McCracken and R.W. McQuaid. 2003. Unemployment duration and employability in remote rural labour markets. *Journal of Rural Studies*, 19: 187-200.
33. Madanoglu, M., L. Altinay and X.L. Wang. 2016. Disentangling the effect of family involvement on innovativeness and risk taking: The role of decentralization. *Journal of Business Research*, 69(5): 1796-1800.
34. Markland, D. 2006. Latent variable modeling: An introduction to confirmatory factor analysis and structural equation modeling. University of Wales, Bangor. Available at: <http://www.bangor.ac.uk/~pes004/resmeth/lisrel/lisrel.htm>
35. Minniti, M. 2006. Entrepreneurs examined. *Business strategy review*, 17(4): 78-82.
36. Pool, D. and P. Sewell. 2007. The key to employability: Developing a practical model of graduate employability. Retrieved from: www.emeraldinsight.com/0040-0912.htm, 49(4): 277-289.
37. Rodrigo-Alarcón, J., P.M. García-Villaverde, M.J. Ruiz-Ortega and G. Parra-Requena. 2017. From social capital to entrepreneurial orientation: The mediating role of dynamic capabilities. *European Management Journal*, 8: 1-15.
38. Salehi, S. and B. Baradaran. 2005. Strategies of entrepreneurship application in agricultural education. *Jihad*, 274: 186-205 (In Persian).
39. Statistical Center of Iran. 2018. Reports of statistical center of Iran regarding unemployment rate. Retrieved from: <http://www.amar.org> (In Persian).
40. Voda, A.I. and N. Florea. 2019. Impact of personality traits and Entrepreneurship education on entrepreneurial intentions of business and engineering students. *Sustainability*, 11: 1-34.
41. Wales, W.J. 2016. Entrepreneurial orientation: A review and synthesis of promising research directions. *International Small Business Journal*, 34(1): 3-15.
42. Watts, A.G. 2006. Career development learning and employability. UK: The Higher Education Academy. Retrieved from: <https://www.qualityresearchinternational.com/eseectools/eseectpubs/watts%20career.pdf>
43. York, M. 2004. Employability in the undergraduate curriculum: Some student perspectives. *European Journal of Education*, 39(4): 409-427.
44. Zahiri, H., Z. Amirhosseini and A. Faridchehr. 2015. The impact of marketing capabilities, innovation and entrepreneurial orientation through social network on performance. *The Misiion of Government Management*, 7(23): 45-60 (In Persian).
45. Zhai, Y.M., W.Q. Sun, S.B. Tsai, Z. Wang, Y. Zhao and Q. Chen. 2018. An empirical study on entrepreneurial orientation, absorptive capacity, and SMEs' innovation performance: A sustainable perspective. *Sustainability*, 10: 1-14.

Business Startup Intention among the Students of School of Agriculture at Shiraz University: Application of Employability Approach

Marzieh Gholami Gandomani¹ and Mahsa Fatemi²

1- Graduated M.Sc. Student, Department of Agricultural Extension and Education, School of Agriculture, Shiraz University, Shiraz, Iran

2- Faculty member, Department of Agricultural Extension and Education, School of Agriculture, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding author: mahsafatemi@shirazu.ac.ir)

Received: April 11, 2021 Accepted: June 21, 2021

Abstract

Analysis of entrepreneurial orientation and employability of Shiraz University agricultural students in order to start personal business after graduation was the main purpose of current study. Conducting a mixed method, the study was accomplished using quantitative and qualitative methods in 2020. The research population was all of the School of Agriculture students at Shiraz University (1874 students) that a random sample of 365 individuals were selected through stratified random sampling method. The data was collected through a questionnaire which its face validity and reliability were confirmed through the professors of the Department of Agricultural Extension and Education at Shiraz University as well as conducting a pilot study with 30 students out of the main sample. In-depth interviews with the members of Shiraz University council of employability improvement (12 individuals) were done using purposeful sampling technique in qualitative phase due to the case study. Based on quantitative findings and the structural equation modelling results, total mean, attending in workshops, entrepreneurship courses experience, startup attending experience, attitude toward favorable internship, personal development skills, business skills and entrepreneurial orientation were the effecting factors on students` tendency toward business startup. Finally, due to the qualitative findings, the strategies for improvement of students` employability at University could be presented as educational, implementation, supportive and incentive strategies.

Keywords: Business Startup, Employability, Entrepreneurial Orientation, Internship, School of Agriculture